

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۸

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۵۷-۱۰۰

تجزیه و تحلیل اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

کاظم استادی*

چکیده

تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام از جهات مختلفی همچون «تاریخ تألیف»، «انتساب به مؤلف»، «اسناد کتاب» و از همه مهم تر، «محتوای کتاب»، مناقشه آمیز است و مورد نقد برخی اندیشمندان قرار گرفته است. با توجه به این مناقشات، به ویژه مشکوک بودن انتساب تفسیر به امام حسن عسکری علیه السلام لازم می نماید این تفسیر از ابعاد گوناگونی بررسی شود، که یکی از آن ها اسناد تفسیر است تا دانسته شود کل اسناد تفسیر چگونه اند؟ آیا اسناد متعدد تفسیر یکسان اند؟ نسبت اسناد تفسیر به اصالت انتساب چگونه است؟ پژوهش حاضر با روشن تحقیق کتابخانه ای در منابع چاپی و نسخ خطی، ضمن گزارش شکلی اسناد تفسیر، به بررسی آن ها پرداخته است؛ تا وضعیت کل اسناد تفسیر را برای پژوهشگران، در دسترس و قابل تحلیل نماید. تفسیر عسکری چند دسته اسناد دارد که با تجزیه و تحلیل تمامی آن ها مشخص شد که نام «حسن بن علی» در تفسیر عسکری و نیز روایات منقول از آن، ناصر اطروش است؛ یعنی اسناد این تفسیر، طی قرون گذشته و در مراحل مختلف نسخه برداری و نقل، تغییراتی کرده است به طوری که از یک شخصیت مذهبی تاریخی زیدی مذهب، یعنی حسن بن علی عسکری اطروش، به یک شخصیت امامی مذهبی، یعنی امام یازدهم شیعیان علیه السلام بدل شده اند. نتیجه اینکه کتاب تفسیر عسکری کنونی، از ناصر کبیر اطروش است.

◀ **کلیدواژه ها:** تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام حسن بن علی، ناصر اطروش، شیخ صدوق، کتاب احتجاج.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران / kazemostadi@gmail.com

۱. مقدمه

تفاسیرِ روایی، مآثور یا نقلی، نوعی از تفاسیر قرآن اند که با استفاده از احادیث و روایات تفسیری تدوین می‌شوند. به باور مفسران شیعه، از بهترین و استوارترین گونه‌های تفسیر قرآن، روایات پیامبر اسلام ﷺ و امامان علیّه در تفسیر و تبیین قرآن کریم است. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیّه السلام یکی از تفاسیر روایی و حدیثی متقدم شیعه است که در آن، بسیاری از آیات تأویل شده و غالب تأویل‌ها نیز دربارهٔ معجزات پیامبر ﷺ و امامان شیعه و مباحث امامت و ولایت است. در واقع این کتاب به نوعی، تفسیر نیست بلکه مجادلات و احتجاجاتی با محوریت فضایل و معجزات امامان شیعه علیّه السلام است. متن تفسیر قرآن، ناقص است و فقط تا پایان آیهٔ ۲۸۲ سورهٔ بقره را دارد و حدود ۳۷۹ روایت در آن شماره‌گذاری شده است (نک: عسکری، ۱۴۰۹ق، سراسر متن).

تفسیر عسکری، به نسبت کتاب‌های هم‌عرض و مشابه خود، بسیار پرنسخه است؛ به طوری که نزدیک به یکصد نسخهٔ خطی دارد (نک: درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۸، ص ۶۶۰) که در نوع خود کم‌نظیر است؛ هرچند که مورد بی‌توجهی فهرست‌نویسان و تراجم‌نگاران امامیه قرار گرفته است. (استادی، ۱۴۰۱ش، پ، مقدمه)

تفسیر منسوب به امام عسکری علیّه السلام، از جهات مختلفی همچون «نسخ خطی»، «تاریخ تألیف اثر»، «انتساب کتاب به مؤلف»، «اسناد ابتدای کتاب» و از همه مهم‌تر «محتوای کتاب»، مناقشه‌آمیز بوده و است.

۱-۱. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ تفسیر منسوب به امام یازدهم علیّه السلام گفت‌وگوهای اجمالی و اشاراتی انتقادی در برخی از منابع متقدم و متأخر صورت گرفته است و آن را به نقد کشیده‌اند. (برای نمونه نک: ابن‌غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۹۸؛ میرداماد، ۱۳۹۷ش، ص ۱۸۸-۱۲۱؛ بلاغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹؛ شوشتری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۵۲-۲۲۸؛ شعرانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱۰، ص ۵۸۰)

همچنین آثار مستقلی در دهه‌های اخیر دربارهٔ این کتاب نگارش یافته‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. «بحثی دربارهٔ تفسیر امام حسن عسکری علیّه السلام» (استادی،

۱۳۶۴ش)؛ ۲. بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام (هاشمی، ۱۳۸۵ش)؛ ۳. «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در بررسی علامه شوشتری» (نفیسی، ۱۳۸۵ش)؛ ۴. «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام» (لطفی، ۱۳۸۶ش)؛ ۵. «تبارشناسی روایات تفسیر العسکری و تأثیر آن بر اعتبارسنجی تفسیر». (ناظمی و معارف، ۱۳۹۷ش)

البته جدای از اینکه هیچ یک از آثار نام برده به ذکر تمامی اسناد تفسیر عسکری در منابع و نسخ خطی مختلف پرداخته‌اند، توجه متمرکز به تجزیه و تحلیل شکلی و تفاوت انواع اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نیز نداشته‌اند؛ که در پژوهش حاضر، به این مهم پرداخته شده است.

۲. طرح مسئله

با توجه به مناقشات درباره تفسیر و به‌ویژه مشکوک بودن انتساب تفسیر به امام حسن عسکری علیه السلام لازم است این تفسیر از ابعاد گوناگون بررسی شود؛ یکی از این ابعاد، اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است.

چراکه تغییرات جزئی و گاه کلی در اسناد روایات، جدای از نسخه‌برداران و خطاطان، از سوی علما و حتی از طرف بزرگان حدیث نیز انجام شده است. این تغییرات گاه به‌ظاهر جزئی، در طول زمان، وضعیت برخی مسائل درباره احادیث و آثار حدیثی را بسیار پیچیده می‌کند.

اکنون با توجه به این موضوع، می‌توان سؤالاتی را مطرح کرد: آیا تفسیر عسکری، اسناد کلی ابتدایی نسخه و نیز اسناد دخلی نسخه، برای روایاتش دارد؟ آیا روایات تفسیر در منابع دیگری نیز آمده است؟ اسناد تفسیر یکتا هستند یا اسناد مختلفی دارند؟ کل اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، چه تعداد هستند؟ آیا این اسناد یکسان‌اند یا از هم متفاوت‌اند؟ پژوهش حاضر با توجه به مناقشات انتساب کتاب به امام عسکری علیه السلام، به گزارش شکلی اسناد تفسیر عسکری در نسخ خطی و منابع مختلف می‌پردازد تا با تجزیه و تحلیل آن‌ها تلاش کند برخی از مناقشات حول تفسیر عسکری را مرتفع نماید.

۳. معرفی کل اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام

با جست‌وجویی که در منابع حدیثی، نسخه‌های خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام و نیز کتاب‌های مرتبط با این تفسیر، همانند الاحتجاج منسوب به طبرسی، صورت گرفت، مشخص شد که برای تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام و برخی از روایات منقول از آن، سه - چهار نوع اسناد، قابل طرح‌اند:

الف. اسناد تفسیر عسکری در روایات صدوق و در روایات انفرادی دیگر

شامل دو دسته اسناد روایات می‌شود: روایات شیخ صدوق که بیشترین حجم از این اسناد را شامل می‌شوند و نیز روایات اندک دیگر در منابع غیر صدوق که یا از آثار شیخ صدوق نقل نموده یا تعداد بسیار کمی که از طرق غیر شیخ صدوق، از تفسیر عسکری نقل کرده‌اند.

ب. اسناد در نسخه‌های خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

اسناد موجود در ابتدای کتاب تفسیر عسکری دو نوع‌اند؛ این اسناد تا قسمتی از اسامی روایان خود مشترک‌اند و در بخشی متفاوت؛ البته در هر دو بخش، تفاوت‌های اندکی نیز با هم دارند.

ج. اسناد این تفسیر در کتاب الاحتجاج

در آغاز کتاب موسوم به الاحتجاج، بخشی از روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام وجود دارد که از قضا با اینکه روایات کتاب الاحتجاج بدون سند یا سند ناقص هستند، این روایات منقول از تفسیر عسکری در آن، دارای سند کامل‌اند.

د. اسناد احتمالی و تعویضی دیگر

از دیرباز، تفسیر عسکری به افراد دیگری نیز مرتبط شده است؛ همانند خالد برقی، دیباج و... . با توجه به اسناد صدوق و نیز تجزیه و تحلیل این ارتباطات میان افراد مطرح‌شده و نیز کتاب تفسیر کنونی و در دسترس، برخی از اسناد احتمالی دیگری هم قابل فرض‌اند که می‌توان به نوعی از اسناد کتاب کنونی تفسیر عسکری دانست.

کل این اسناد در کنار هم در جدول زیر آمده است:

اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)														
١	تفسیر امام عسکری (ع) (تفسیر ابن سعید عسکری، تاریخ ١٠٨٠ق)	٦٠٠+ قمری	٥٧٥+ قمری	٥٥٠+ قمری	٥٢٥+ قمری	٤٧٥+ قمری	٤٥٠+ قمری	٤٢٥+ قمری	٣٧٥+ قمری	٣٥٠+ قمری	٣٠٠+ قمری	٢٧٥+ قمری	٢٥٠+ قمری	تفسیر امام عسکری (ع) (تفسیر ابن سعید عسکری، تاریخ ١٠٨٠ق)
٢	تفسیر امام عسکری (ع) (المتعمد علی بن ابراهیم، تاریخ ١٠٧٠ق)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	تفسیر امام عسکری (ع) (المتعمد علی بن ابراهیم، تاریخ ١٠٧٠ق)	
٣	تفسیر امام عسکری (ع) (المتعمد علی بن ابراهیم، تاریخ ١٠٧٠ق)	تالیف قائل	ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل القه (١٥٩٠ق)	محمد بن شراذف الحسینی الخزازي (١٥٣٣ق)	آبی جعفر مهدی بن الحارث الحسینی المدورسی (١٥٣٦ق)	آبی عبدالله جعفر بن محمد المدورسی (١٥٣٦ق)	آبی عبدالله جعفر بن محمد المدورسی (١٥٣٦ق)	آبی عبدالله جعفر بن محمد المدورسی (١٥٣٦ق)	آبی عبدالله جعفر بن محمد المدورسی (١٥٣٦ق)	آبی عبدالله جعفر بن محمد المدورسی (١٥٣٦ق)	آبی عبدالله جعفر بن محمد المدورسی (١٥٣٦ق)	آبی عبدالله جعفر بن محمد المدورسی (١٥٣٦ق)	آبی عبدالله جعفر بن محمد المدورسی (١٥٣٦ق)	تفسیر امام عسکری (ع) (المتعمد علی بن ابراهیم، تاریخ ١٠٧٠ق)
٤	احتمالاً تفسیر ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل القه (١٥٩٠ق)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	احتمالاً تفسیر ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل القه (١٥٩٠ق)	
٥	تفسیر امام عسکری (ع) (المتعمد علی بن ابراهیم، تاریخ ١٠٧٠ق)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	تفسیر امام عسکری (ع) (المتعمد علی بن ابراهیم، تاریخ ١٠٧٠ق)	
٦	تفسیر امام عسکری (ع) (المتعمد علی بن ابراهیم، تاریخ ١٠٧٠ق)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	تفسیر امام عسکری (ع) (المتعمد علی بن ابراهیم، تاریخ ١٠٧٠ق)	

۴. اسناد موجود در آثار شیخ صدوق

شیخ صدوق بیش از سی روایت از شخص مجهولی به نام‌های «محمد بن القاسم الأسترآبادی المفسر، المعروف بابی الحسن الجرجانی»، احتمالاً در سفرش به استرآباد و جرجان (حدود سال ۳۶۸ق) با دو واسطه از «حسن بن علی» دریافت نموده و در برخی آثار خود نقل کرده است.

جدای از این، برخی روایات اندک شیخ صدوق از تفسیر عسکری نیز وجود دارد که از غیر شخص مفسر استرآبادی هستند؛ همانند «علی بن أحمد بن موسی الدقاق عن علی بن الحسین القاضی العلوی العباسی عن الحسن بن علی». (صدوق، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۴۰) البته باید توجه داشت که حدود نیمی از روایات صدوق از تفسیر عسکری (از طرق مختلف وی)، اکنون و در این تفسیر کنونی و در دسترس ما، وجود ندارد. (برای نمونه نک: صدوق، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۶۷؛ صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۸)

این اسناد و روایات صدوق را با دو روش می‌توان معرفی کرد:

۴-۱. گزارش اسناد صدوق بر اساس آثار صدوق

اسناد روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام در آثار صدوق، شامل هشت عنوان کتاب‌اند:

یک - عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ با حدود هفده روایت. (صدوق، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۳۷، ۲۵۴، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۸۲، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۱۲؛ ج ۲، ص ۲، ۱۲، ۱۳ و ۱۶۷) قدیمی‌ترین نسخه خطی تاریخ‌دار کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام مربوط به ۵۷۶ هجری است (درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۲۳، ص ۲۱۲) و نسخه‌ای دیگر در حدود قرن چهارم، یعنی هم‌عصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) تخمین زده شده است؛ بنابراین فاصله زمانی خاصی طبق نسخه حدودی قرن چهارم، با اسناد روایات تفسیر وجود ندارد؛ و طبق نسخه تاریخ‌دار، حداقل حدود دو‌یست سال فاصله زمانی بدون اسناد تا راوی اسناد نسخه، یعنی شیخ صدوق، وجود دارند.

دو - معانی الاخبار؛ با حدود نه روایت. (صدوق، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ۲۴، ۳۳، ۳۶، ۲۸۷ (دو تا)، ۲۸۸، ۲۸۹ و ۳۳۹) قدیمی‌ترین نسخه معانی الاخبار مربوط به قرن دهم است. (درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۳۰، ص ۲۵۷)

- سه - الامالی؛ با حدود شش روایت. (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱، ۴۰، ۱۱۰، ۱۷۴، ۱۷۵ و ۳۵۸). قدیمی ترین نسخه کتاب الامالی مربوط به سال ۷۴۰ق است. (درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۴، ص ۸۱۹)
- چهار - علل الشرایع؛ با حدود سه روایت. (صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۰ و ۲۹۸؛ ج ۲، ص ۴۱۶) قدیمی ترین نسخه کتاب علل الشرایع مربوط به قرن نهم است. (درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۲۲، ص ۸۳۵)
- پنج - التوحید؛ با حدود سه روایت. (صدوق، ۱۳۵۷ش، ص ۴۷، ۲۳۰ و ۴۰۳) قدیمی ترین نسخه کتاب التوحید، مربوط به سال ۹۵۱ق است. (درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۹، ص ۴۱۸)
- شش - الخصال؛ با یک روایت. (صدوق، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۴۸۴) قدیمی ترین نسخه الخصال مربوط به سال ۸۰۱ق است. (درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۱۳، ص ۶۹۹)
- هفت - من لایحضره الفقیه؛ با یک روایت. (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۷) قدیمی ترین نسخه من لایحضره الفقیه مربوط به قرن ۴ یا ۵ق است که فقط جزء سوم کتاب را دارد؛ و نسخه کهن دیگر مربوط به سال ۶۵۲ق است که آن نیز فقط از باب وضو تا اول باب زکات را داراست. (درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۲۶، ص ۴۳ و ۴۴)
- هشت - صفات الشیعة؛ با یک روایت. (صدوق، ۱۳۶۲ش، ص ۴۵). قدیمی ترین نسخه صفات الشیعة مربوط به قرن یازدهم است. (درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۲۱، ص ۶۸۵)
- جدول احادیث منقول از تفسیر عسکری در آثار شیخ صدوق عبارت اند از:

اسناد شیخ صدوق (عیون الاخبار الرضا)											
۱۷۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۳۰۰+ قمری	۳۲۵ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۷۵+ قمری	
ابیه موسی بن جعفر	الرضا	؟	-	ابیه	الحسن بن علی	ابوالحسن أخذ بن الحسن الناسری الحسنی (م ۳۱۱ ق)	۳۲۵ قمری	مُحمَّد بن القاسم المعروف بابي الحسن الجرجاني	۳۵۰+ قمری	عیون اخبار الرضا (ص ۳۲)	۱
موسی بن جعفر	ابیه موسی	مُحمَّد بن علی	-	ابیه مُحمَّد بن علی	الحسن بن علی	ابوالحسن أخذ بن الحسن الناسری الحسنی (م ۳۱۱ ق)		مُحمَّد بن القاسم المفسر الاستاذي		عیون الاخبار ۱۴ ص ۲۹۷	۲
ابیه موسی بن جعفر	ابیه الرضا	ابیه علی الرضا	-	ابیه مُحمَّد بن علی	الحسن بن علی	ابوالحسن أخذ بن الحسن الناسری الحسنی (م ۳۱۱ ق)		ابوالحسن أخذ بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون الاخبار ۱۴ ص ۲۹۷ و ۲۹۸	۳
ابیه موسی بن جعفر	ابیه الرضا	مُحمَّد بن علی	-	ابیه	الحسن بن علی	ابوالحسن أخذ بن الحسن الناسری الحسنی (م ۳۱۱ ق)		ابوالحسن أخذ بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون الاخبار ۲۴ ص ۳۱۲	۴
ابیه موسی بن جعفر	ابیه الرضا	مُحمَّد بن علی	-	ابیه مُحمَّد بن علی	الحسن بن علی	ابوالحسن أخذ بن الحسن الناسری الحسنی (م ۳۱۱ ق)		مُحمَّد بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون اخبار الرضا ۲۵۴ / ۱	۵
-	-	ابیه	-	-	الحسن بن علی	عن ابیه عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن مُحمَّد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب		مُحمَّد بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون اخبار الرضا ۲۹۷ / ۱	۶
علی جدی	الرضا	-	-	ابیه	الحسن بن علی	عن ابیه عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن مُحمَّد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب		مُحمَّد بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون اخبار الرضا ۲۹۸، ۲۹۷ / ۱	۷
ابیه موسی بن جعفر	الرضا	مُحمَّد بن علی	-	ابیه مُحمَّد بن علی	الحسن بن علی	عن ابیه عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن مُحمَّد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب		ابوالحسن أخذ بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون اخبار الرضا ۱۲ / ۲	۸
-	الرضا	مُحمَّد بن علی	-	ابیه مُحمَّد بن علی	الحسن بن علی	عن ابیه عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن مُحمَّد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب		ابوالحسن أخذ بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون اخبار الرضا ۱۶۲ / ۲	۹
-	-	ابیه	-	ابیه	الحسن بن علی	عن ابیه عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن مُحمَّد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب		مُحمَّد بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون اخبار الرضا ۲۹۷ / ۱	۱۰
ابیه موسی بن جعفر	ابیه الرضا	مُحمَّد بن علی	-	ابیه مُحمَّد بن علی	الحسن بن علی	عن ابیه عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن مُحمَّد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب		مُحمَّد بن القاسم المفسر الجرجاني		عیون اخبار الرضا ۳۰۰، ۲۹۶، ۳۲۷ / ۱، ۳۰۰، ۳۰۱	۱۱
-	-	ابیه	-	أحمد بن زینب مُحمَّد بن جعفر	الحسن بن علی	عن ابیه عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن مُحمَّد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب		علی بن أحمد بن محمد بن عمران اللادقی		عیون الاخبار ۲۵۰ ص ۱۴	۱۲

اسناد شیخ صدوق ۲ (معانی الاخبار)									
۱۷۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۳۰۰+ قمری	۳۲۵ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۷۵+ قمری	
۱۷۵+ قمری آیه موسی بن جعفر	۲۰۰+ قمری آیه الرحمن	۲۲۵+ قمری مُحمَّد بن علی	۲۵۰+ قمری ؟	۲۷۵+ قمری آیه	۳۰۰+ قمری الحسن بن علی [الناصری (م ۲۰۲ ق)]	۳۲۵ قمری [ابوالحسن] أخذ بن الحسن [الناصری (م ۳۲۱ ق)]	۳۵۰+ قمری مُحمَّد بن القاسم المفسر الجرجانی	۳۷۵+ قمری معانی الأخبار ص ۲۸۷ (۱)	۱
آیه موسی بن جعفر	آیه الرحمن	مُحمَّد بن علی	؟	آیه	الحسن بن علی [الناصری (م ۲۰۲ ق)]	[ابوالحسن] أخذ بن الحسن [الناصری (م ۳۲۱ ق)]	مُحمَّد بن القاسم المفسر الجرجانی	معانی الأخبار ص ۲۸۷ (۲)	۲
آیه موسی بن جعفر	آیه الرحمن	مُحمَّد بن علی	؟	آیه	الحسن بن علی [الناصری (م ۲۰۲ ق)]	[ابوالحسن] أخذ بن الحسن [الناصری (م ۳۲۱ ق)]	مُحمَّد بن القاسم المفسر الجرجانی	معانی الأخبار ص ۲۸۸	۳
ذکر موسی بن جعفر	آیه غلبه التلامذ	مُحمَّد بن علی	؟	آیه	الحسن بن علی	[ابوالحسن] أخذ بن الحسن [الناصری (م ۳۲۱ ق)]	مُحمَّد بن القاسم المفسر	معانی الأخبار ص ۲۸۹	۴
-	-	-	-	-	عن یوسف بن الحسن بن علی بن مُحمَّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن طالب	أبو یوسف یوسف بن مُحمَّد بن زیاد و علی بن بن مُحمَّد بن سنان و کتاب فی التفسیر الأخریة	مُحمَّد بن القاسم الجرجانی المفسر	معانی الأخبار ص ۲	۵
-	-	-	-	-	عن یوسف بن الحسن بن علی بن مُحمَّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن طالب	أبو یوسف یوسف بن مُحمَّد بن زیاد و أبو الحسن علی بن بن مُحمَّد بن سنان (مسار)	مُحمَّد بن القاسم الاسترآبادی المعروف بأبی الحسن الجرجانی المفسر	معانی الأخبار ص ۳۲ و ۳۳	۶
-	-	آیه	-	آیه	عن یوسف بن الحسن بن علی بن مُحمَّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن طالب	یوسف بن مُحمَّد بن زیاد و علی بن مُحمَّد بن سنان	مُحمَّد بن القاسم الجرجانی	معانی الأخبار ص ۳۳	۷
-	-	آیه	-	آیه	عن یوسف بن الحسن بن علی بن مُحمَّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن طالب	یوسف بن مُحمَّد بن زیاد و علی بن مُحمَّد بن سنان (مسار)	مُحمَّد بن القاسم الاسترآبادی	معانی الأخبار ص ۳۹۹	۸

۲-۴. گزارش اسناد صدوق بر اساس روایان

سه دسته از اسناد روایات موجود در آثار شیخ صدوق، به نوعی با تفسیر عسکری قابل ارتباط اند که آن‌ها را می‌توان به عنوان اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام مطرح ساخت:

۱-۲-۴. اسناد یوسف و علی، عن ابویهما عن حسن بن علی

این گروه احادیث، شامل اسناد مشابه با کمی تفاوت و تصحیف‌اند:

الف. اسناد حاوی عبارت «كَانَا مِنَ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ»

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَعْقُوبَ يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ وَكَانَا مِنَ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ. (نک: صدوق، ۱۳۵۷ش، ص ۲۳۰؛ همو، ۱۳۷۹ق، ص ۴)

ب. بیشترین سهم اسناد از «عن ابویهما»

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو يَعْقُوبَ يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَأَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ... (نک: همو، ۱۳۷۹ق، ص ۲۴، ۳۳، ۳۶ و ۳۹۹؛ همو، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۶ (يَسَارٍ)؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۸۸ و ۲۹۱)

مابقی آن‌ها صرف نظر از روایان تکراری ابتدای سند عبارت‌اند از:

عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ علیه السلام عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى... (نک: همو، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۱۲ (صَيَّادٍ) و ۱۶۷)

عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ. (همو، ۱۳۵۷ش، ص ۴۷)

عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ... (نک: همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۶۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵)

اسناد تفسیر یا توجه به «ابوانا و ابویهما»							
	۲۷۵+ قمری	۳۰۰+ قمری	؟	۳۲۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۳۷۵+ قمری	
۱	تفسیر امام عسکری (ع) (قدیمی ترین نسخه خطی یا تاریخ ۸۰۸ق)	؟	؟	ابویعقوب محمد بن یوسف بن زیاد و القاسم المفسر ابو حسین بن سیار	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر لاسترابادی الخطیب	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن بن موسی بن بابویه (شرح صدوق) (۳۸۱ق)	؟
۲	تفسیر امام عسکری (ع) (نسخه‌های خطی آید، د. ط. ق. و. م. س.)	؟	؟	ابویعقوب محمد بن یوسف بن زیاد و ابو حسین بن سیار	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر لاسترابادی الخطیب	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن بن موسی بن بابویه القمی (۳۸۱ق)	؟
۳	احتجاج نسخه اردکان تاریخ ۷۳۶ق اسناد تفسیر امام عسکری (ع)	آبیه	ابومحمد الحسن بن علی العسکری	کان ابوانا امامین	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن بن بابویه (شرح صدوق) (۳۸۱ق)	آبیه
۴	جمع بندی اسناد روایات شیخ صدوق ۱ ابویهما	آبیه	الحسن بن علی الناصری	عَنْ أَبُوئِهِمَا	ابویعقوب محمد بن یوسف بن زیاد و ابو حسین بن سیار	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن بن بابویه (شرح صدوق) (۳۸۱ق)	آبیه
۵	جمع بندی اسناد روایات شیخ صدوق ۲ احمد بن الحسن الحسینی	آبیه	الحسن بن علی الناصری	-	أحمد بن الحسن الحسینی	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن بن بابویه (شرح صدوق) (۳۸۱ق)	آبیه

پ. اسناد تصحیف یافته در نام برخی راویان

در برخی اندک از اسناد روایاتی که گذشت، به جای نام سیار، «یسار» یا «صیاد» آمده است (همان، ج ۲، ص ۱۲، صیاد؛ همو، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۶، یَسَار) یا مثلاً سیار، «سنان» درج شده است. (همو، ۱۳۷۹ق، ص ۳۳۹)

ت. اسناد تصحیف یافته در عَنْ أَبُوئِهِمَا

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرِ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الرُّضَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ الْأَصَادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ... (همو، ۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۵۴)

ث. جمع بندی و برخی نکات

درباره اسناد «يُونُسُ وَ عَلِيُّ عَنْ أَبُوئِهِمَا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ»، چند مسئله قابل توجه است:

یک. حداقل در دو سند از این اسناد آمده است «ك أَبُو يَعْقُوبَ يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ

زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ وَكَانَا مِنَ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ؛ که این اسناد شبیه اسناد تفسیر عسکری در کتاب/احتجاج منسوب به طبرسی است. با توجه به اسناد تفسیر عسکری در/احتجاج، «عَنْ أَبِيهِمَا» در اسناد صدوق، به عنوان واسطه نقل در روایت، نادرست است و ظاهراً به تصحیف، در اسناد درج شده است. در واقع و با توجه به اسناد تفسیر عسکری در/احتجاج، جمله «یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سیار و کانا من الشیعة الامامية قالا کان ابوانا امامیین و کانت الزیدیه هم الغالیین بأسترآباد...» (نک: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۶)، جمله توضیحی میان اسناد بوده است که «ابوانا» در اسناد صدوق، به عنوان واسطه نقل، به سند تغییر و اضافه شده است.

دو. در عنوان «حسن بن علی» اسناد شیخ صدوق از یوسف و علی، این چند حالت درج شده‌اند: ۱. عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ؛ ۲. عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ؛ ۳. عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضَا؛ ۴. عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُوسَى بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

این گونه می نماید که اضافات بعد از «حسن بن علی»، متأخر از شیخ صدوق باشند؛ به این معنی که در نسخه برداری های از آثار صدوق، به متن صدوق اضافه شده‌اند. سه. در اسناد شیخ صدوق از یوسف و علی، برای راوی پس از حسن بن علی نیز چند حالت وجود دارد: ۱. بدون روای؛ ۲. ابیه؛ ۳. ابیه علی بن محمد. در اینجا نیز با توجه به اسناد دیگر صدوق از تفسیر عسکری که به نقل از «احمد بن حسن» و همگی به نقل از «ابیه» هستند؛ روشن است که توضیحات اضافی «علی بن محمد» برای ابیه، متأخر از شیخ صدوق نوشته شده باشند؛ به این معنی که در نسخه برداری های از آثار صدوق، به متن صدوق افزوده شده‌اند.

۲-۲-۴. اسناد احمد عن حسن بن علی

در آثار شیخ صدوق، حدود دوازده روایت از مفسر استرآبادی از «احمد بن الحسن الحسینی» از «حسن بن علی» آمده است. (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۰ و ۳۵۸؛ همو، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۸؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۷۴، ۲۹۷، ۳۱۲ و ج ۲، ص ۲، ۵۲؛ همو،

۱۳۷۹ق، ۲۸۷(دو تا)، ۲۸۸ و ۲۸۹)

در سه کتاب *عیون اخبار الرضا*، *الامالی* و *معانی الاخبار*، حدود پنج روایت از مفسر استرآبادی، منتهی به «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ» با این اسناد وجود دارد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ. (نک: همو، ۱۳۷۹ق، ص ۲۸۷(دو تا حدیث) و ۲۸۸؛ همو، ۱۳۷۶ش، ص ۳۵۸؛ همو، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۸)

بنابراین از اسناد این روایات احمد بن حسن (یا بهتر بگوییم: ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری) متوفی ۳۱۱ق، فرزند ناصر اطروش) در آثار صدوق، هفت روایت، لقب «الناصر» و «الناصری» را به دنبال نام «حسن بن علی» ندارند؛ و به تنهایی آمده‌اند. (نک: همو، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۰؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۷۴، ۲۷۹، ۳۱۲ و ج ۲، ۵۲؛ همو، ۱۳۷۹ق، ص ۲۸۹)؛ که در این میان، با توجه به اینکه متن برخی از این روایات، یکی هستند، مشخص است که این «حسن بن علی»ها، همان پسوند ناصری را دارند. (برای نمونه نک: همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۱۲ و ج ۲، ص ۵۲)

بنابراین، ظاهراً در تمامی اسناد احمد بن حسن، منظور از «حسن بن علی»، پدر وی، «حسن بن علی الناصری» یعنی ناصر اطروش هستند؛ هرچند که این روایات ذیل آیات سوره‌هایی هستند که در تفسیر کنونی عسکری، جزء مجلدات مفقوده و افتادگی‌ها می‌باشند. (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: الف، آخر متن)

اسناد حسن بن علی الناصری در روایات صدوق																		
۱	۳۷۵ قمری	۳۲۵ قمری	۳۰۰ قمری	۲۷۵ قمری	۲۵۰ قمری	۲۲۵ قمری	۲۰۰ قمری	۱۷۵ قمری	۳۷۵ قمری	علاء الشراعی صدوق ج ۱ ص ۲۹۸ حسن الجرجانی	محمد بن القاسم الصدوق یاقوت الخسن الجرجانی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	-	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه
۲	معانی الأخبار ص ۲۸۷ (۱)	محمد بن القاسم القاسم القاسم الجرجانی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه	معانی الأخبار ص ۲۸۷ (۱)	محمد بن القاسم القاسم الجرجانی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	-	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه	
۳	الامالی صدوق ص ۲۵۸	محمد بن القاسم الکنتراذی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه	الامالی صدوق ص ۲۵۸	محمد بن القاسم الکنتراذی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	-	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه	
۴	معانی الأخبار ص ۲۸۷ (۲)	محمد بن القاسم الجرجانی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه	معانی الأخبار ص ۲۸۷ (۲)	محمد بن القاسم الجرجانی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	-	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه	
۵	معانی الأخبار ص ۲۸۸	محمد بن القاسم الجرجانی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه	معانی الأخبار ص ۲۸۸	محمد بن القاسم الجرجانی	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	ایبیه	-	محمد بن علی	الرضا ایبیه	موسی بن جعفر ایبیه	
۶	الامالی صدوق ص ۴۰ ج ۱	علی بن محمد بن عقیل بن موسی (راوی تفسیر)	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	محمد بن زینب	ایبیه	عبد ایبیه صفیر سعید بن جعفی (راوی)	-	الامالی صدوق ص ۴۰ ج ۱	علی بن محمد بن عقیل بن موسی (راوی تفسیر)	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	محمد بن زینب	عبد ایبیه صفیر سعید بن جعفی (راوی)	ایبیه	عبد ایبیه صفیر سعید بن جعفی (راوی)	-	
۷	عیون الأخبار ص ۲۵۰ ج ۱	علی بن محمد بن عمرو بن عقیل (راوی تفسیر)	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	محمد بن زینب	ایبیه	عبد ایبیه صفیر سعید بن جعفی (راوی)	-	عیون الأخبار ص ۲۵۰ ج ۱	علی بن محمد بن عمرو بن عقیل (راوی تفسیر)	ابوالحسن احمد بن الحسن الناصری (م ۳۰۲ ق)	الخصن بن علی الناصری (م ۳۰۲ ق)	محمد بن زینب	عبد ایبیه صفیر سعید بن جعفی (راوی)	ایبیه	عبد ایبیه صفیر سعید بن جعفی (راوی)	-	

۴-۲-۳. اسناد قاضی علوی و دیگران

جدای از اسناد قبل، که مشخصاً با تفسیر عسکری در ارتباط است، اسناد روایات دیگری را نیز در آثار صدوق می توان یافت که از «حسن بن علی» هستند؛ همانند:

«حدثنا علی بن أحمد بن موسی الدقاق، قال: حدثنا علی بن الحسین القاضی العلوی العباسی، قال: حدثنی الحسن بن علی.» (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۹۴)

ولی در حال حاضر مشخص نیست که آیا این روایات نیز ارتباطی با کتاب تفسیر عسکری دارند یا خیر؛ به این دلیل که اکنون تنها برخی از مجلدات کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در دسترس است که همان نیز افتادگی‌هایی دارد. (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ب، مقدمه).

۳-۴. جمع‌بندی اسناد تفسیر در آثار صدوق

با معرفی اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در آثار شیخ صدوق، حداقل دو نتیجه یا جمع‌بندی می‌توان داشت:

الف. دو طریق صدوق به «حسن بن علی»

دست‌کم دو طریق در آثار شیخ صدوق از تفسیر عسکری یافت می‌شود که منتهی به حسن بن علی هستند؛ و البته تفاوت‌های بسیار شاخصی در توصیف‌های پیشوندی و پسوندی خود دارند که گویای دو شخص‌اند: یکی امام زیدیه و دیگری امام امامیه.

ب. حسن بن علی اسناد، ناصر اطروش است

اکنون لازم است بررسی مستقلی انجام شود که منظور از «أَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ» در این روایات کیست؟ آیا امام حسن عسکری علیه السلام و امام هادی علیه السلام هستند؟ یا اشخاص دیگری، مثلاً ناصر اطروش و پدرش، منظورند. ظاهراً و با توجه به اسناد تفسیر در احتجاج که بعد از این خواهد آمد، به نظر می‌رسد که تمامی اسناد صدوق از «أَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ»، منظور «أَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيُّ عَنْ أَبِيهِ» هستند؛ که در نسخه‌برداری‌های بعدی آثار صدوق، مورد تحریف و تصحیف واقع شده‌اند.

۴-۴. جمع‌بندی شیخ صدوق کتاب تفسیر را در اختیار نداشته است

طبق شواهدی که خواهد آمد، گویا شیخ صدوق کتاب تفسیر را به صورت مستقیم در اختیار نداشته و حتی تمامی روایات و احادیث کتاب را در طرق افراد دیگری، ندیده و نشنیده است. به این معنی که شیخ صدوق، تنها به تعداد اندکی (یعنی حدود سی روایت) از روایات تفسیر عسکری، به واسطه مفسر استرآبادی و دیگران دسترسی پیدا

نموده و تنها همان روایت‌ها را در آثار خود منعکس کرده است. در این باره شواهد و قراینی را می‌توان ارائه کرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۴-۱. عدم استفاده روایات تفسیر در آثار مرتبط صدوق و دیگران

با فرض اینکه تفسیر روایات و احادیث تفسیر از امام حسن عسکری علیه السلام یا منسوب به ایشان باشند، از آنجا که مستقیم نقل از امام علیه السلام هستند یا حتی اگر با واسطه منقول از امام باشند، می‌توانسته متن بسیار مهمی باشد که هیچ مؤلفی و ناقل اخباری نمی‌توانسته به راحتی از کنار آن بگذرد و از نقل این روایات چشم‌پوشی کند؛ به‌ویژه مؤلفانی که به جمع‌آوری تمامی روایات و احادیث معتقدند، یا مؤلفانی که آثار هم‌موضوع و مشابه با برخی از احادیث و روایات دارند.

بنابراین، مؤلفانی (همانند صفار قمی، خصیبی، شیخ مفید، ابن شاذان قمی و...) که تألیفاتی مشابه موضوع مطالب تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام نوشته‌اند، مخاطب اصلی به‌کارگیری این کتاب هستند، مگر اینکه دسترسی به متن کتاب تفسیر نداشته باشند. از این رو توجه به این نکته که آیا مؤلفان از کتاب تفسیر منسوب به عسکری استفاده و بهره برده‌اند یا خیر، می‌تواند گویای نکات مهمی باشد و می‌تواند نشان دهد که مؤلف کتاب تفسیر را دیده است یا خیر؟

اکنون با توجه به این مقدمه، به آثار شیخ صدوق و همچنین برای نمونه، به دو صاحب کتاب دیگر پرداخته می‌شود.

الف. شیخ صدوق

چون بیش از سی روایت از تفسیر عسکری در آثار صدوق وجود دارد، توجه به اسناد روایات صدوق و نیز اسناد نسخ خطی تفسیر از شیخ صدوق، و نیز وضعیت هماهنگی و تفاوت کل اسناد صدوق از تفسیر عسکری قابل تأمل می‌شود.

سند اصلی و واقعی تفسیر عسکری می‌تواند سه حالت داشته باشد: یک. این کتاب در واقع، همین اسناد موجود کنونی را از ابتدا داشته است؛ دو. این تفسیر، سندی نداشته است و بعدها از اسناد روایات آثار شیخ صدوق یا مشابه آن، سندی برای نسخ خطی تفسیر وضع شده است؛ سه. این تفسیر، همین اسناد کنونی را، البته با نام سهل دیباجی یا مثلاً خالد برقی داشته است که در مقطعی از زمان، سند قبلی با نام راویان

روایات صدوق تعویض شده‌اند.

با قبول فرض حالت دوم و سوم مشخص می‌شود که اسناد تفسیر مجعول‌اند؛ اما با قبول فرض حالت اول، چند سؤال به وجود می‌آید: ۱. اگر شیخ صدوق کتاب تفسیر را داشته، چرا ۳۵۰ روایت از روایات دیگر این کتاب تفسیری را نقل نکرده است؟ با اینکه صدوق آثار متنوعی دارد که مطالب روایات تفسیر عسکری، متناسب به‌کارگیری در آن آثار است؛ ۲. اگر این تفسیر کنونی با همین اسناد منسوب به شیخ صدوق در دست صدوق بوده، چرا شیخ صدوق روایات آن را با دو یا چند طریق متفاوت از هم نقل کرده است؟

ب. ابن شهر آشوب

ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) در *معالم العلماء*، یادکردی از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام و نیز ابوجعفر المرعشی ندارد. به نظر می‌رسد که اگر کتاب تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام و *الاحتجاج* با اسناد موجود از ابوجعفر مرعشی، در نزد ابن شهر آشوب بود، نام ابوجعفر الحسینی المرعشی را به‌عنوان راوی اصلی این دو کتاب، در *معالم العلماء* درج می‌نمود، همان‌گونه که تفسیر امام عسکری علیه السلام از الحسن بن خالد برقی (ز ۲۵۴ق) را عنوان کرده است. (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ص ۷۰)

همچنین، با اینکه موضوعات مشابهی در کتاب *مُتَشَابِهُ الْقُرْآنِ*، *مطالب النواصب* و *مناقب* (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق و ۱۳۷۹ق و ۴۳۶ق: فهرست) با تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام وجود دارد، فقط چند نقل از تفسیر عسکری در *مناقب* وجود دارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ش: ۲، ص ۳۰۰، ۳۱۳ و ۳۲۹) که یا از آثار شیخ صدوق استفاده شده، یا از آثاری که شیخ صدوق از آن‌ها برای درج برخی از روایات تفسیر عسکری استفاده کرده است.

بنابراین اگر بپذیریم که ابن شهر آشوب به کتاب تفسیر عسکری به‌صورت مستقیم دسترسی داشته است، این سؤال بسیار مهم مطرح می‌شود که چرا ابن شهر آشوب بیش از ۳۵۰ روایت از روایات دیگر این کتاب تفسیری را با توجه به این نکته مهم که همه روایات تفسیر عسکری با این چند اثر ابن شهر آشوب مرتبط‌اند، نقل نکرده است؟

ج. دلائل الامامه

برای نمونه کتاب دیگر، از دلایل الامامه می توان نام برد که درباره زندگی، معجزات و فضایل حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام است و کاملاً مرتبط با موضوع کتاب تفسیر عسکری است. در این کتاب نیز جز موارد اندکی نقل از تفسیر عسکری (برای نمونه نک: طبری، ۱۴۱۵ق: ۳۷۶) که به نقل از روایات صدوق هستند، خبری از استفاده از کتاب تفسیر عسکری نیست.

۴-۲. عدم تطبیق کامل روایات صدوق و تفسیر کنونی

آنچه از روایات شیخ صدوق از تفسیر عسکری که اکنون در کتاب کنونی تفسیر عسکری وجود دارد، در بعضی موارد، تطابق کامل با تفسیر کنونی ندارد؛ این وضعیت می تواند گویای این مسئله باشد که اگر روایات صدوق تحریف نشده باشند، روایات شیخ صدوق از تفسیر عسکری به صورت مستقیم اتفاق نیفتاده است؛ به این معنی که او تعداد محدود روایات تفسیر عسکری را از منابع دیگر نقل کرده است، نه به صورت مستقیم از کتاب تفسیر عسکری. یکی از دلایل تشخیص این وضعیت، می تواند وجود تفاوت عمده در متن روایات صدوق با روایات تفسیر کنونی عسکری باشد. (نک: صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۷؛ عسکری، ۱۴۰۹ق، ص ۳۲۷)

۵. اسناد موجود در نسخ خطی تفسیر عسکری

نسخه های خطی کنونی تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام سه دسته اند؛ برخی دارای فقط یک نوع سند ابتدای نسخه (به همراه یک سند مختصر داخلی مشابه) هستند و برخی دارای سند نوع دیگر و متفاوت از قبلی هستند، و برخی نسخه ها نیز دارای هر دو نوع این سندها ابتدایی کتاب اند؛ که در بخشی از طریق، راویان با هم مشترک اند.

۵-۱. معرفی اسناد نسخ خطی تفسیر

۵-۱-۱. سند اول، در ابتدای نسخه خطی کتاب

قال محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن دقاق [برخی نسخ: رفاق]: حدثني الشيخان الفقيهان: أبو الحسن محمد بن أحمد بن علي بن الحسن بن شاذان و أبو محمد جعفر بن أحمد بن علي القمي (ره) قال: حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (ره) قال: أخبرنا أبو الحسن محمد بن القاسم المفسر الاستراباذي الخطيب (ره) قال: حدثني أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن

علی بن محمد بن سیار [برخی نسخ: یسار] - وکانا من الشيعة الامامية - قالوا: كان أبوانا إماميين، و كانت الزيدية هم الغالبون بأستراباد، و كنا فى إمارة الحسن بن زيد العلوى الملقب بالداعى إلى الحق إمام الزيدية، و كان كثير الاصغاء إليهم، يقتل الناس بسعياتهم، فخشينا على أنفسنا، فخرجنا بأهلينا إلى حضرة الامام أبى محمد الحسن بن على بن محمد أبى القائم... (نک: عسکرى، ۱۴۰۹ق، ص ۸؛ در نسخه هاى خطى أ، ب، د، ط، ق، و)

این سند بر روى کهن ترين نسخه خطى تفسير به تاريخ ۸۰۸ق نیز مى باشد. (استادى، ۱۴۰۱ش: الف، سراسر متن)

۵-۲. سند دوم، در ابتدای نسخه خطی کتاب

قال الشيخ أبو الفضل شاذان [بن] جبرئيل بن إسماعيل القمى أدام الله تأييده حدثنا السيد محمد بن شراهك [يا: سراهنك، شراهتك] الحسينى [يا: الحسنى] الجرجانى عن السيد أبى جعفر مهتدى بن حارث الحسينى المرعشى عن الشيخ الصدوق أبى عبدالله جعفر بن محمد الدورى عن أبىه عن الشيخ الفقيه أبى جعفر محمد بن على بن بابويه القمى رحمه الله تعالى قال أخبرنا أبو الحسن محمد بن القاسم الأسترآبادى الخطيب رحمه الله تعالى قال حدثنى أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن على بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الامامية قالوا: كان أبوانا إماميين و كانت الزيدية هم الغالبين بأستراباد و كانا فى إمارة الحسن بن زيد العلوى الملقب بالداعى إلى الحق إمام الزيدية و كان كثير الاصغاء إليهم يقتل الناس بسعياتهم فخشيناهم على أنفسنا فخرجنا بأهلينا إلى حضرة الامام الحسن بن على بن محمد أبى القائم... (برای نک: نسخه خطى رضوى به شماره ۱۱۱۶۵ با تاريخ قرن ۱۰؛ نیز نسخه خطى مرعشى به شماره ۱۱۹۸۵ قرن ۱۱؛ نیز نک: عسکرى، ۱۴۰۹ق، ص ۷؛ در نسخه هاى خطى ب، د، س، ص، و)

همین اسناد با تفاوت اندک و مغایرت املايى، با این عنوان «و لندکر ما وجدناه فى مفتتح تفسير الامام العسکرى»، در بحار الانوار آمده است. (مجلسى، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۷۰)

۵-۳. سند سوم، در اواسط کتاب

جدای از سند اصلى ابتدای متن کتاب، یک اشاره ديگر به آن سند، در اواسط کتاب شده و نام دو راوى آن ذکر شده است:

قال أبو يعقوب يوسف بن زياد و علي بن سيار رضي الله عنهما حضرنا ليلة علي غرة الحسن بن علي بن محمد. و قد كان ملك الزمان له معظماً و حاشيته له متجلين إذ مر علينا و الي البلد و الي الجسرین و معه رجل مكتوف. و الحسن بن علي عليه السلام مشرف من روزنته. فلما رآه الوالي، ترجل عن دابته إجلالاً له. فقال له الحسن بن علي عليه السلام عد إلي موضعك فعاد و هو معظم له و قال يا ابن رسول الله: أخذت هذا في هذه الليلة علي باب حانوت صيرفي فاتهمته بأنه يريد نقه و السرقة منه فقبضت عليه فلما هممت بأن أضربه خمس مائة... (برای نمونه نک: کهن ترين نسخه عسکری، در دانشگاه تهران، برگ ۷۶؛ همچنين درباره عبارت «يا ابن رسول الله» و اينکه اطروش با چند واسطه، نوۀ پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ نک: موسوی نژاد، ۱۳۹۲ش، ص ۶۷)

این سند و داستان پس از آن، به روشنی نشان می دهد که «حسن بن علی» در این متن، ناصر کبیر اطروش امام زیدیه طبرستان است، نه امام یازدهم علیه السلام (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ت، سراسر متن) که تحت نظارت و محصور حاکم زمان خود بوده اند. (نک: پاکتچی، ۱۳۹۱ش، ص ۶۲۶) چون ناصر اطروش پس از کناره گیری از قدرت و مشغول شدن به تدریس و آموزش تفسیر به دانشجویان، بسیار مورد احترام افراد حکومتی بود، همان حکومتی که خود پایه گذار آن بود. (نک: ابن اسفندیار، ۱۳۲۰ش، ص ۲۷۵؛ موسوی نژاد، ۱۳۹۲ش، ص ۱۴۷)

۲-۵. تفاوت های دو مدل سند اول نسخه های خطی تفسیر

دو مدل سند تفسیر بر روی نسخ خطی، سه دست اختلاف دارند:

۱-۲-۵. اختلافات اساسی

جدای از اسناد روایات شیخ صدوق از مفسر استرآبادی در آثار صدوق که همگی این اسناد از شخص شیخ صدوق آغاز شده اند، هر سه نوع سند دیگر کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام بر روی نسخه های خطی تفسیر و احتجاج، دارای دو مرحله اند. این دو مدل سند نسخ خطی کتاب تفسیر نیز در این قاعده قرار دارد و اختلاف اساسی اش، وجود همین دو مرحله در اسناد است:

یک. اسناد راویان تا شیخ صدوق؛ که در این دو نوع سند تفسیر، کلاً از هم

متفاوت اند و دو طریق مختلف را شکل می دهند.

دو. اسناد راویان از شیخ صدوق تا امام حسن عسکری علیه السلام؛ که در دو مدل سند تفسیر، با کمی اختلافات جزئی، کلاً یکسان‌اند.

این دو مرحله از اسناد تفسیر، یعنی هریک از این مراحل که ذکر شد، اختصاصات و اهمیت ویژه خود را دارند؛ که به زودی به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۲-۲-۵. اختلافات اختلافات جزئی

اختلافات جزئی شامل دو گونه اختلافات‌اند: یک. اختلافات میان اسناد مشابه و یکسان؛ دو. اختلافات موجود در میان دو نوع سند متفاوت تفسیر در نسخ خطی تفسیر. چون حجم این اختلافات جزئی در این اسناد زیاد است، در اینجا برای نمونه به برخی از این اختلافات اشاره شده است:

۱. تفاوت راوی اولیه تفسیر که در این نسخه «رفاق» آمده است؛ یعنی محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن رفاق؛ اما در برخی نسخه‌های دیگر، «دقاق» ذکر شده است.

۲. حسین، جد صدوق را «حسن» ذکر کرده؛ أبو جعفر محمد بن علی بن الحسن بن موسی بن بابویه.

۳. بین ابویعقوب یوسف و بن زیاد، «بن محمد» نیامده است.

۴. ابوالحسن، کنیه علی بن محمد بن سیار، «أبو الحسن» درج شده است.

۵. در برخی نسخه‌های دیگر، محمد بن سیار، «محمد بن یسار» درج شده است. چون وی نیز مجهول است، به دقت نمی‌توان درستی نگارش این اسم را تجزیه و تحلیل کرد. ولی ظاهر بیشتر منابعی که اسم او را درج کرده‌اند، نشان می‌دهد که سیار، صحیح است.

۳-۲-۵. اختلافات مهم

شاید مهم‌ترین اختلاف اسناد تفسیر بر روی نسخ خطی، اختلاف در نگارش کنیه‌ها برای عسکری است. این اختلافات نگارشی جزئی اما مهم، در این مسئله از این رو که بازشناسی هویت نام عسکری کمک می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. در این اسناد، در هنگام ذکر نام امام عسکری، دو نوع کنیه ذکر شده است: یک. **حضرة الامام ابي محمد الحسن بن علی بن محمد ابي القائم علیه السلام**؛ دو. **حضرة الامام الحسن بن علی بن محمد**

ابی القائم علیه السلام

هم امام حسن عسکری، یعنی ناصر اطروش، و هم امام حسن عسکری علیه السلام، یعنی امام یازدهم ما شیعیان، هر دو کنیه «ابی محمد» داشته‌اند. (استادی، ۱۴۰۱ش: ب، آخر متن) اما کنیه «ابی قائم» اختصاص به امام یازدهم شیعیان، یعنی امام حسن بن علی بن محمد عسکری علیه السلام دارد.

در این میان، یک مسئله مشکوک است که همان می‌تواند در تشخیص تصحیف صورت گرفته در سند تفسیر، کمک‌رسان باشد. آن مسئله، ذکر دو دفعه کنیه برای «حسن بن علی» است؛ به این معنی که در برخی اسناد نسخ خطی، یک بار، ابتدا کنیه «ابی محمد» ذکر شده و دوباره پس از درج نام حسن بن علی، کنیه «ابی قائم» درج شده است؛ که در برخی از اسناد دیگر، این وضعیت دوگانه کنیه، اصلاح شده و کنیه «ابی محمد» از اسناد حذف شده است.

این وضعیت گویای این است که در نسخ ابتدایی و اولیه تفسیر، فقط کنیه «ابی محمد» که کنیه ناصر اطروش است، وجود داشته است. (برای نمونه نک: صفحه ۵ نسخه خطی کتابخانه حوزه علمیه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق؛ نیز: طبرسی، ۱۳۸۶ق: ۱۵) در مرحله بعد، که کتاب تفسیر انتسابش به امام یازدهم شیعیان شکل گرفته، کنیه «ابی قائم» به اسناد اضافه شده است؛ و در نسخه برداری‌های بعدی نسخ تفسیر، برخی به این وضعیت دو کنیه‌ای ویژه، توجه کرده‌اند؛ و کنیه اول یعنی «ابی محمد» را در نسخه برداری‌های خود حذف نموده‌اند. (برای نمونه نک: نسخه خطی رضوی به شماره ۱۱۱۶۵ با تاریخ قرن ۱۰؛ و نیز نسخه خطی مرعشی به شماره ۱۱۹۸۵ قرن ۱۱) به عبارت ساده، تغییرات کنیه‌ای برای حسن بن علی، در سه مرحله صورت گرفته است:

مرحله اول: ابی محمد حسن بن علی؛ که حسن بن علی آن ناصر اطروش است.
مرحله دوم: ابی محمد حسن بن علی ابی قائم؛ که دو کنیه برای امام یازدهم شیعیان، یعنی امام حسن عسکری علیه السلام ذکر شده است.

مرحله سوم: حسن بن علی ابی قائم؛ که منحصر است در هویت امام یازدهم شیعیان. (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ب، ۶۹)

۳-۵. گزارش دو مرحله اسناد تفسیر عسکری

این دو مرحله، که نقطه تمایزشان شخص شیخ مفید است، عبارت‌اند از:

۱-۳-۵. اسناد تفسیر تا شیخ صدوق

این اسناد، دو نوع‌اند که از دو طریق راویان مختلف شکل گرفته‌اند:

- یک. قال محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن دقاق حدثنی أبوالحسن محمد بن أحمد بن علی بن الحسن بن شاذان و أبو محمد جعفر بن أحمد بن علی القمی قالاً حدثنا أبو جعفر محمد بن علی بن الحسين بن موسى بن بابويه القمی
- دو. قال الشيخ أبو الفضل شاذان بن جبرئیل بن إسماعیل القمی حدثنا السيد محمد بن سراهنک الحسینی الجرجانی عن السيد ابو جعفر مهدی بن ابی حرب الحسینی المرعشی عن أبی عبدالله جعفر بن محمد الدوریستی عن أبیه عن أبی جعفر محمد بن علی بن بابويه القمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تجزیه و تحلیل اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)

اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) تا شیخ صدوق										
ردیف	تفسیر	تاریخ	مفسر	تاریخ	مفسر	تاریخ	مفسر	تاریخ	مفسر	تاریخ
۱	تفسیر از سهیل دیاجمی	۳۷۵ قمری	سند احتضار اولیه	۶۰۰ قمری	-	۵۷۵ قمری	-	۵۵۰ قمری	-	۶۰۰ قمری
۲	تفسیر امام عسکری (ع) قدیمی‌ترین نسخه خطی	۳۷۵ قمری	تفسیر امام عسکری (ع) قدیمی‌ترین نسخه خطی	۵۷۵ قمری	-	۵۵۰ قمری	-	۵۵۰ قمری	-	۶۰۰ قمری
۳	تفسیر امام عسکری (ع) استغفار علی بن ابی طالب و ا	۳۷۵ قمری	تفسیر امام عسکری (ع) استغفار علی بن ابی طالب و ا	۵۷۵ قمری	-	۵۵۰ قمری	-	۵۵۰ قمری	-	۶۰۰ قمری
۴	احتجاج نسخه اردکان تاریخ ۷۳۶ قمری اسناد تفسیر امام حسن عسکری (ع)	۳۷۵ قمری	احتجاج نسخه اردکان تاریخ ۷۳۶ قمری اسناد تفسیر امام حسن عسکری (ع)	۵۷۵ قمری	۲	۵۵۰ قمری	۴	۵۵۰ قمری	۴	۶۰۰ قمری
۵	تفسیر امام عسکری (ع) استغفار علی بن ابی طالب	۳۷۵ قمری	تفسیر امام عسکری (ع) استغفار علی بن ابی طالب	۵۷۵ قمری	۴	۵۵۰ قمری	۴	۵۵۰ قمری	۴	۶۰۰ قمری
۶	تفسیر امام عسکری (ع) حاشیه قدیمی‌ترین نسخه خطی تاریخ ۸۰۸ قمری	۳۷۵ قمری	تفسیر امام عسکری (ع) حاشیه قدیمی‌ترین نسخه خطی تاریخ ۸۰۸ قمری	۵۷۵ قمری	۴	۵۵۰ قمری	۴	۵۵۰ قمری	۴	۶۰۰ قمری

۲-۳-۵. اهمیت پرداختن به این اسناد تا شیخ صدوق

درباره توجه به اسناد تفسیر تا شیخ صدوق که ممکن است برخی آن را تشریفاتی بدانند، این سؤال قابل طرح است: آیا اساساً توجه به این اسناد مهم است یا این اسناد به نوعی اسناد تشریفاتی محسوب می‌شوند و تأمل در روایان آن‌ها اهمیتی ندارد؟

در اینجا توجه به این نکته ضروری است که اگر کل کتاب موجود و در دسترس تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام یا بنا بر فرضیه قوی این پژوهش، تفسیر اطروش، در آثار شیخ صدوق موجود و در دسترس بودند، توجه به روایان اسناد تا شیخ صدوق چندان اهمیتی برای اعتبارسنجی کتاب تفسیر عسکری نداشت؛ یعنی این اسناد به نوعی تشریفاتی محسوب می‌شدند؛ اما چون از سویی فقط ۲۰ روایت و از طرف دیگر حداکثر ۳۰ روایت از روایات این تفسیر در آثار شیخ صدوق موجودند، به این معنی است که اعتبار سندی حدود ۳۵۰ روایات دیگر تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام که در آثار شیخ صدوق وجود ندارند، به اعتبار و وضعیت رجالی روایان اسناد تا قبل از شیخ صدوق وابسته‌اند. به عبارت دیگر، این روایات تفسیر عسکری را نمی‌توان به اعتبار آثار شیخ صدوق ضمیمه کرد؛ چون ممکن است این روایات دیگر، موضوع و مخدوش باشند و سهواً یا عمداً اسنادشان به شیخ صدوق منسوب شده باشند، مگر اینکه ثابت شود اسناد نسخ خطی تفسیر عسکری کنونی، که نام شیخ صدوق را بر خود دارند، اصیل‌اند؛ و این اسناد از آثار صدوق، به نسخ خطی بدون سند تفسیر عسکری راه نیافته‌اند.

۳-۳-۵. اسناد تفسیر از شیخ صدوق تا عسکری

این اسناد که در نسخ خطی تفسیر عسکری به صورت یکسان (با اختلافات جزئی) آمده است، عبارت‌اند از: قال أخبرنا محمد بن القاسم قال حدثني يوسف بن محمد بن زياد و علي بن محمد بن سيار (و كانا من الشيعة الامامية) قال كان ابوانا اماميين و كانت الزيدية هم الغالبون بأستراباذ و كنا في إمارة الحسن بن زيد العلوي الملقب بالداعي إلى الحق إمام الزيدية و كان كثير الاضغاء إليهم يقتل الناس بسعاياتهم فخشينا علي أنفسنا فخرجنا بأهلينا إلى حضرة الامام أبي محمد الحسن بن علي ...

۶. اسناد موجود در کتاب موسوم به احتجاج

جدای از اسناد روایات شیخ صدوق در آثارش، تنها اثری که بخش قابل توجهی از روایات تفسیر عسکری را در خود دارد، کتاب/احتجاج منسوب به طبرسی است. روایات این کتاب همگی بدون اسنادند، مگر همین روایات تفسیر عسکری، که مؤلف به دلیل عدم شهرتش، به همراه اسنادش ذکر نموده است. (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ص ۱۴ و ۱۵)

۱-۶. گزارش سند تفسیر در احتجاج

در نسخه‌های متعدد کتابی که احتجاج خوانده می‌شود، این سند برای روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در اوایل کتاب/احتجاج آمده است:

حدثني به السيد العالم العابد أبو جعفر مهدي بن أبي حرب الحسيني المرعشي رضي الله عنه قال حدثني الشيخ الصادق أبو عبد الله جعفر بن محمد بن أحمد الدوريسي رحمة الله عليه قال حدثني أبو محمد بن أحمد قال حدثني الشيخ السعيد أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي رضي الله عنه قال حدثني أبو الحسن محمد بن القاسم المفسر، قال حدثني أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن علي بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الامامية قال حدثنا أبو محمد الحسن بن علي العسكري عليه السلام قال حدثني ابي عن آبايه عليهم الصلاة و السلم عن رسول الله صلى الله عليه و آله انه قال... (بعنوان نمون نك: صفحه ۵ نسخه خطی کتابخانه حوزه علمیه اردکان به شماره ۱۷۷ به تاریخ ۷۳۶ق؛ نیز طبرسی، ۱۳۸۶ق، ص ۱۵)

در نسخه‌های خطی دیگر، همین اسناد با برخی تفاوت‌های اندک و مغایرت‌های املائی وجود دارد. (برای نمونه نك: نسخه مرعشی شماره ۹۸۳۶ به تاریخ ۱۰۳۳ق) همچنین همین اسناد با کمی تفاوت در *عوالي اللئالی العزیزیه* از ابن ابی‌جمهور (م بعد ۹۰۱ق)، با عنوان «طبرسی مفسر» آمده است. (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶)

۲-۶. سند نسخه احتجاج، متفاوت از سند کتاب کنونی تفسیر است

جدای از راویان ابتدایی اسناد تفسیر در کتاب/احتجاج و نسخ تفسیر عسکری، یک تفاوت بسیار مهم در بخش دوم آن اسناد در این دو کتاب وجود دارد:

اسناد تفسیر عسکری در نسخ تفسیر	اسناد تفسیر عسکری در احتجاج
قال أخبرنا أبو الحسن محمد بن القاسم الأسترآبادي الخطيب رحمه الله تعالى قال حدثني أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن علي بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الإمامية قالا كان أبوانا إماميين و كانت الزيدية هم الغالبين بأسترآباد و كانا في إمارة الحسن بن زيد العلوي الملقب بالداعي إلى الحق إمام الزيدية و كان كثير الإصغاء إليهم يقتل الناس بسعابتهم فخشيتناهم على أنفسنا فخرجنا بأهلينا إلى حضرة الإمام أبي محمد الحسن بن علي بن محمد أبي القاسم (ع) ...	قال حدثني أبو الحسن محمد بن القاسم المفسر قال حدثني أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن علي بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الإمامية قالا حدثنا أبو محمد الحسن بن علي العسكري (ع) عليهما السلام قال حدثني أبي عن أبيه عليهم الصلاة و السلام عن رسول الله (ص) انه قال ...

این سند/احتجاج با کمی تفاوت در اختلاف «ابویهما» به عنوان راوی اضافه در سند یا توضیح اضافه، شبیه اسناد روایات شیخ صدوق است؛ که پیش تر بیان شد که آن اسناد همگی از «حسن بن علی بن ابی عن آبائه» هستند؛ با این تفاوت که در برخی از آن اسناد، «حسن بن علی» ناصری است و در برخی اسناد، امام حسن عسکری علیه السلام و جمع بندی کردیم که همگی اسناد، حسن بن علی ناصری هستند و در نسخه برداری های آثار صدوق، مورد تصحیف و تحریف واقع شده‌اند.

اسناد تفسیر عسکری در احتجاج	جمع بندی اسناد تفسیر در روایات شیخ صدوق
محمد بن القاسم المفسر قال حدثني أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن علي بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الإمامية قالا حدثنا أبو محمد الحسن بن علي العسكري عليهما السلام قال حدثني أبي عن أبيه	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَّابَادِيِّ عَنْ [أَبِي يَعْقُوبَ] يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ زِيَادٍ وَ [أَبِي الْحَسَنِ] عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَيَّارٍ وَ كَانَا مِنَ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ قَالَا عَنْ أَبُوَيْهِمَا عَنْ [أَبِي مُحَمَّدٍ] الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ

طبق این اسناد، حتی اگر حسن بن علی، ناصر اطروش نباشد، راوی اصلی اسناد، امام هادی علیه السلام و عسکری اول یعنی ابی حسن الثالث علیه السلام هستند. همان طور که ابن غضائری

ح ۴۵۰ق) نیز در رجال خود برای تفسیر عسکری اشاره کرده است: و الآخر علی بن محمد بن یسار عن أبيهما، عن أبي الحسن الثالث علیه السلام (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۹۸) بنابراین مهم ترین تفاوت سند کتاب احتجاج (کهن ترین نسخه موجود ۷۳۶ق) با سند کتاب تفسیر (کهن ترین نسخه موجود ۸۰۸ق یا چندی بعدتر) در ناقل و قائل اصلی کتاب تفسیر است.

بنابراین با توجه به مطالبی که از ابتدا تاکنون گذشت، در حال حاضر با سه ناقل برای تفسیر عسکری روبه رو هستیم:

۱. امام حسن بن علی عسکری متوفی ۳۰۴ق؛ امام زیدیه یعنی ناصر اطروش.
۲. امام علی بن محمد عسکری علیه السلام متوفی ۲۵۴ق؛ امام دهم امامیه.
۳. امام حسن بن علی عسکری علیه السلام متوفی ۲۶۰ق؛ امام یازدهم امامیه.

۷. اسناد احتمالی (تعویضی و ترکیبی) دیگر تفسیر

جدای از اسنادی که پیش تر برای تفسیر عسکری بیان شد، برای بیان یا تبیین «اسناد احتمالی، تعویضی و ترکیبی» برای تفسیر عسکری، لازم است به اطلاعاتی که درباره تفسیر عسکری یا تفاسیر مشابه آن در برخی منابع رجالی یا فهرستی بیان شده، توجه کرد. چند اطلاع از تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام وجود دارد:

۷-۱. اطلاع ما از تفسیر عسکری به نقل از ابن غضائری

ابن غضائری (ح ۴۵۰ق) نیز در رجال خود در عنوان «محمد بن القاسم» می نویسد: «المفسر الأسترآبادی. روی عنه أبو جعفر ابن بابویه. ضعيف، كذاب. روی عنه تفسیرا پیرویه عن رجلین مجهولین: أحدهما يعرف بیوسف بن محمد بن زیاد، و الآخر: علی بن محمد بن یسار عن أبيهما، عن أبي الحسن الثالث علیه السلام و التفسیر موضوع عن سهل الديباجی عن أبيه، بأحادیث من هذه المناکیر.» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۹۸) همین مطالب را علامه حلی و دیگران از ابن غضائری نقل کرده اند. (برای نمونه نک: حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۰۵)

در این باره چندین مطلب قابل توجه است:

در سخن ابن غضائری، ممکن است که وی از دو تفسیر، به مناسبت یک مسئله یاد کرده باشد؛ به این معنی که هم از تفسیر منقول از محمد بن قاسم یاد کرده است و هم از تفسیر منقول از سهل بن دیباج؛ و آن‌ها را (چه یک تفسیر باشند و چه دو تفسیر

متفاوت) از نظر «موضوع بودن»، یکسان دانسته است.

به عبارت دیگر، جمله ابن غضائری این گونه است: تفسیر منقول از استرآبادی موضوع است؛ همان گونه که تفسیر منقول از دیباجی موضوع است؛ و در اینجا «و التفسیر موضوع عن سهل الدیباجی»، کلمه «کما عن» از جمله ابن غضائری، افتادگی در نسخه برداری پیدا نموده است؛ و نوشته شده «عن». همان گونه که علامه شوشتری نیز به این احتمال افتادگی اشاره کرده است. (شوشتری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۱۵)

۷-۲. اطلاع ما از تفسیر عسکری به نقل ابن شهر آشوب

پیش تر گفتیم که ابن شهر آشوب کتاب تفسیر عسکری را که اکنون موجود است ندیده است؛ و فقط چند روایت اندک از آن به نقل از دیگران در اثر خود استفاده کرده است. ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* در عنوان حسن بن خالد برقی (زنده ۲۵۴ق) نوشته است: «[لحسن] بن خالد البرقی: اخو محمد بن خالد. من کتبه: تفسیر العسکری من املاء الامام علیه السلام مائة وعشرون مجلدة. (ابن شهر آشوب، بی تا، ص ۷۰) آقابزرگ تهرانی در *الدریعة* پس از ذکر این تفسیر در مؤلفات امام علیه السلام نوشته: چون ابن شهر آشوب هنگام شرح حال حسن بن خالد تفسیر عسکری را به صورت مطلق بدون قید ذکر نموده است؛ ظاهر امر مراد از «العسکری» امام هادی علیه السلام باشد، که ملقب به «بصاحب العسکر» و «العسکری» بوده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۸۳)

۷-۲-۱. اسناد تفسیر حسن بن خالد برقی

اکنون تفسیر منسوب به خالد و مذکور در *معالم العلماء* در دسترس نیست و ما به قطع نمی دانیم که آیا واقعاً تفسیر مستقلی بوده یا همان تفسیر عسکری کنونی است؛ که خالد فقط ناقل آن بوده است؟ هر چند که مقدار اندکی از روایات وی (حدود نه روایت) با عنوان «حسن یا حسین بن خالد» در تفسیر قمی آمده است. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷ و ۸۴ با عنوان «حسین بن خالد»، و ج ۲، ص ۱۹۳، ۳۲۸، ۳۴۳، ۳۹۰، ۴۰۱؛ با عنوان «حسن بن خالد»، ج ۱، ص ۱۲۹ و ۲۴۸)؛ هر چند که این چند موردی که از تفسیر حسن بن خالد برقی در تفسیر قمی آمده است، جزء مواردی از آیات قرآن هستند که اکنون در تفسیر عسکری موجود، افتادگی دارد. (همان، ج ۱، ص ۸۲ سوره بقره، ص ۱۲۹ سوره آل عمران، ص ۱۹۳ سوره انعام، ص ۲۴۸ سوره اعراف و ج ۲، ص ۳۲۸ سوره ذاریات،

ص ۳۴۳ سوره رحمان، ص ۳۹۰ سوره جن و ص ۴۰۱ سوره نبا) فقط یک مورد از روایات تفسیری حسن بن خالد از سوره بقره است که از قضا همان نیز جزء افتادگی های تفسیر کنونی عسکری از سوره بقره است. در تفسیر قمی، بخش تفسیر سوره البقرة، الآيات ۲۴۳ الی ۲۵۱، حدیثی از حسن بن خالد آمده (همان، ج ۱، ص ۸۲) که این بخش از آیات بقره در قسمت افتادگی تفسیر کنونی عسکری (احتمالاً میان مجلدات ۷، ۸ و ۹) واقع شده است.

۲-۲-۷. این همانی تفسیر حسن بن خالد و تفسیر حسن بن علی عسکری

اما سه نکته می تواند به نوعی گویای این همانی این تفسیرها باشد؛ و یک نکته دیگر ناقض این همانی. سه نکته پشتیبانی کننده عبارت اند از:

یک. مشابهت موضوعی تفاسیر و احادیث

با توجه به متن روایات باقی مانده از حسن بن خالد، که پیش تر بیان شد، ظاهراً تفسیر منسوب به وی نیز از جهت محتوا و موضوع، شبیه تفسیر عسکری کنونی بوده است؛ یعنی در تفسیر بیشتر آیات تأویل شده و غالب تأویل ها درباره معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام هستند. (برای نمونه نک: همان جا)

دو. یکصد و بیست جلد بودن تفسیر

توضیحات اضافی ابن شهر آشوب درباره مجلدات تفسیر، یعنی «مائة وعشرون مجلدة» (ابن شهر آشوب، بی تا، ص ۷۰)، شبیه همین وضعیت تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است که اکنون بخشی از آن در دسترس می باشد. طبق متن کنونی تفسیر عسکری که در بخش هایی از آن تصریح شده، این تفسیر، جزء جزء و مجلدات کوچک کوچک (و به نوعی جزوات آموزشی) بوده است (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: الف و ب، سراسر متن)؛ که در نسخه برداری های بعدی (مثلاً قرن ۶) چند جلد ابتدایی آن، که یافته شده، به صورت یک جا و یک مجلد، نسخه برداری شده است.

تفسیر یک جلدی کنونی عسکری و در دسترس ما، شامل آیات فاتحه تا آیه ۲۸۲ بقره است (عسکری، ۱۴۰۹ق، فهرست)؛ که همین مقدار، در چند مجلد نسخه خطی بوده است. (نک: همان، ص ۵۶۸، ۵۶۹، ۶۰۲، ۶۰۳ و ۶۳۶)

با توجه به اینکه تقسیم قرآن به سی جزء و هر جزء به چهار حزب، پس از دوران «حجاج» و به منظور تسهیل در امر تدریس و فراگیری قرآن انجام گرفت (نک: صالح، ۱۳۷۲ق، ص ۹۳-۹۷) و به واسطه مدارس علمی و آموزشی پررنگ شد (زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۲۵۰) به نظر می‌رسد که متن تفسیر عسکری نیز بر اساس احزاب قرآن، تدوین و نسخه‌نویسی شده بوده است. بر این اساس، تفسیر آیات اول قرآن تا انتهای سوره بقره، ده مجلد می‌شود و تفسیر تمامی قرآن، ۱۲۰ جلد خواهد شد. به این شکل که مثلاً مجلد یازدهم تفسیر عسکری، شامل آیات ۲۸۲ سوره بقره تا حزب بعدی قرآن بوده است؛ و نشان‌هایی نیز از این مجلدبندی، همچون «شیء آخر من تفسیر هذه السورة من الامام الحسن بن علی (عسکری، ۱۴۰۹ق، ص ۶۳۶) در متن نسخه کنونی نیز وجود دارد؛ هرچند که به سبب درهم آمیختگی این مجلدات نازک با هم، در نسخه برداری بعدی از تفسیر، تشخیص مجلدات اولیه تفسیر در تفسیر کنونی، مشکل شده است. (نک: استادی، ۱۴۰۱ش، الف، آخر متن)

سه. از بین رفتن تفسیر منسوب به حسن بن خالد

شاید یکی از دلایل از بین رفتن کل ۱۲۰ مجلد تفسیر منسوب به حسن بن خالد برقی، «این‌همانی» و وجود همین تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام باشد؛ به این معنی که مشابهت آن دو باعث شده است دیگران نیازی به نقل از تفسیر منقول از حسن بن خالد نبینند و این تفسیر مهجور مانده و از بین رفته باشد.

چهار. تأثیر تاریخ حیات حسن بن خالد در این‌همانی تفاسیر

دلایل احتمالی که برای این‌همانی «تفسیر حسن بن خالد» و «تفسیر حسن بن علی عسکری» بیان شد، زمانی قابل فرض اند که دوران حیات خالد، با دوران حیات ناصر اطروش، نویسنده واقعی تفسیر عسکری، هم‌هنگ باشد.

تاریخ حیات حسن بن خالد، روشن نیست؛ اگر وی در حدود سال ۲۷۰ق یا پس از آن، وفات یافته باشد، به‌نوعی می‌توانسته تفسیر ناصر اطروش (۲۲۵ یا ۲۳۰-۳۰۴ق) را نقل کرده باشد؛ اما اگر حسن بن خالد، متوفی حدود سال ۲۵۰ق باشد، بسیار بعید است که تفسیر او، همان تفسیر ناصر اطروش باشد.

۳-۷. جمع‌بندی اسناد احتمالی

با توجه به مطالبی که گذشت، در اینجا چند احتمال وجود دارد؛ برای نمونه، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری یا همان تفسیر حسن بن علی اطروش، از دو یا چند طریق به نسل‌های بعدی منتقل شده باشد:

۱-۳-۷. احتمالات انتقال تفسیر عسکری

یک. از طریق سهل دیباجی (م ۳۸۰ق) از پدرش (م ۳۴۰ق) از عسکری (چه ناصر اطروش متوفی ۳۰۴ق باشد؛ چه امامین عسکریین علیه السلام)؛ که همین تفسیر موجود و منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است.

دو. از طریق مفسر استرآبادی از یوسف بن زیاد و علی بن سیار از عسکری (چه ناصر اطروش متوفی ۳۰۴ق باشد؛ چه امامین عسکریین علیه السلام)؛ که مقدار اندکی از روایات آن، توسط شیخ صدوق به نقل از محمد بن قاسم مفسر، در برخی از آثارش آمده است (برای نمونه نک: صدوق، ۱۳۵۷ق، ص ۲۳۰؛ همو، ۱۳۷۹ش، ص ۴)؛ و بخش بیشتری از آن، همین تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است.

سه. از طریق حسن بن خالد از عسکری (چه ناصر اطروش متوفی م ۳۰۴ق باشد؛ چه امامین عسکریین علیه السلام)؛ البته با توجه به اینکه دوران حیات وی با نویسنده اصلی تفسیر عسکری هماهنگ باشد.

۲-۳-۷. احتمالات تغییرات سندی تفسیر عسکری

بنا بر آنچه بیان شد، می‌توان برای تبیین برخی تغییرات سندی، یا سندسازی، یا تصحیح اسناد، چند احتمال مطرح کرد:

یک. نسخ خطی اولیه تفسیر کنونی، فقط اسناد تا قبل از شیخ صدوق و داستان اولیه را داشته است و اسناد تا شیخ صدوق نداشته و بعداً این اسناد از طرق برخی از آثار شیخ صدوق به اسناد نسخه خطی تفسیر اضافه شده‌اند. (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: الف، ۴۸)

دو. اسناد سهل دیباجی از ابتدای نسخ کهنه تفسیر از بین رفته و در نسخه برداری‌های بعدی، اسناد موجود در آثار شیخ صدوق را اخذ و استفاده کرده و به جای سند ابتدای نسخه تفسیر، نوشته و نسخه برداری کرده‌اند.

سه. طبق یکی از سندهای تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام بر نسخه‌های خطی، محمد دقاق، تفسیر را از ابن‌رازی، یعنی جعفر قمی و نیز ابن‌شاذان قمی نقل کرده

است. از سوی دیگر، جعفر قمی در آثار خود اسامی جمعی از شیوخ خود را در سلسله اسناد آورده که از آن جمله می‌توان از سهل بن احمد دیباجی یاد کرد. (ابن رازی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۰۸) همچنین ابن شاذان قمی روایاتی از سهل بن احمد دیباجی دارد. (برای نمونه نک: کراجکی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳ و ۱۵۱)

بنابراین ممکن است برخی افراد در نسخه برداری از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام به دلایلی همچون همان مطلب ابن غضائری درباره سهل دیباجی، سند تفسیر را تعویض یا به زعم خودشان، تصحیح نموده باشند؛ یعنی سند دقاق از جعفر قمی از سهل دیباجی را با سند شیخ روایات صدوق از مفسر استرآبادی، ترکیب کرده و نام سهل دیباجی را از این میان سند تفسیر عسکری حذف نموده‌اند. این احتمال با وضعیت اسناد دیگر تفسیر از شاذان، همخوانی دارد؛ چون در آن اسناد، میان پدر دوریستی و شیخ صدوق، روایانی وجود ندارد. این افتادگی، شاید سرنخی از همین حذف روایان و تعویض و ترکیب اسناد از سهل دیباجی به شیخ صدوق باشد.

نتیجه اینکه اگر سرنخ‌هایی از ارتباط پدر سهل دیباجی با حسن بن علی اطروش در عراق به دست آید، احتمال اول، پشتیبانی خواهد شد؛ و اگر نسخه‌های خطی دیگری از تفسیر با اسناد متفاوت پیدا شود، احتمال دوم پشتیبانی می‌گردد.

اما به نظر ما همان‌طور که پیش‌تر آمد، چون صدوق از تفسیر استفاده نکرده، تفسیر کنونی را در اختیار نداشته است، و اسناد روایان تا شیخ صدوق، در نسخه برداری‌های متأخر، به متن نسخه خطی اضافه شده‌اند.

۸. جمع‌بندی اسناد تفسیر عسکری

درباره اسناد تفسیر عسکری، به صورت مشروح صحبت و نکات متعددی بیان شد؛ از جمع‌بندی مطالبی که گذشت، حداقل چند مطلب روشن می‌شود:

۸-۱. حسن بن علی، تصحیف و تحریف یافته

نام حسن بن علی، نقطه مهم و اصلی اسناد تفسیر عسکری است؛ که باید مطالب مبهم و مشکوک درباره آن روشن شود؛ برای این منظور، چند مطلب قابل توجه است:

۸-۱-۱. حسن بن علی در آثار صدوق

در توجه به کل اسناد روایات صدوق از «حسن بن علی» و جمع‌بندی آن‌ها می‌توان

گفت: ۱. در اسناد روایات صدوق، حداقل حدود پنج روایت از حسن بن علی، به لقب ناصر اطروش، که صدوق از او در عیون و الامالی با «قَدَسَ اللّٰهُ رُوْحَهٗ» یاد کرده، تصریح شده است. ۲. چند عدد روایات صدوق نیز با توجه به متن مشابه احادیث آن‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که در این اسناد، منظور از «حسن بن علی»، حسن بن علی الناصری، یعنی اطروش است. ۳. همچنین چند عدد از روایات حسن بن علی در آثار صدوق، راوی مستقیم آن، «احمد بن حسن» است؛ که طبق قراین، وی پسر ناصر اطروش است. ۴. با توجه به مابقی اسناد صدوق و نیز تطبیق آن‌ها با هم، و با توجه به جدول روایات اطروش، و هماهنگی اسناد در حسن بن علی، روشن است که منظور از عنوان «حسن بن علی» در آن‌ها، همگی یک نفرند.

بنابراین، القاب و کنیه‌ها یا توضیحات تکمیلی که به نام «حسن بن علی» و «ایبه» و راویان دیگر، از طریق نسخه برداران افزوده شده است. در واقع تحریفات و تصحیفات، نسخه‌ای است که در اصل نوشته صدوق نبوده است.

۲-۱-۸. حسن بن علی در سند تفسیر عسکری

در بررسی اسناد مختلف نسخ خطی تفسیر، و با توجه به تغییراتی که این اسناد یافته اند نیز مشخص شد که منظور از حسن بن علی در اسناد تفسیر عسکری، فقط یک شخص است؛ ولی با تغییراتی سهوی یا عمدی در نقل القاب این شخص، یعنی القاب و کنیه‌ها یا توضیحات تکمیلی که به نام «حسن بن علی» و حذف «ایه» از طریق نسخه‌برداران تفسیر انجام شده است و در واقع تحریفات و تصحیفات، نسخه‌ای هستند، در اصل نسخه اصلی تفسیر نبوده‌اند.

۳-۱-۸. حسن بن علی در آثار متأخرین

در ادامه دو مطلب قبل و برای درک بهتر مسئله تغییرات هویتی راویان و برخی از القاب و توضیحات راویان اسناد، مناسب است که نیم‌نگاهی نیز به آثار متأخر حدیثی با توجه به نام «حسن بن علی» داشته باشیم. برای نمونه، در همین اسناد روایات صدوق که پیش‌تر بیان شد، برخی از القاب و کنیه‌ها به نام «حسن بن علی» توسط بزرگان حدیثی متأخر و در تألیفاتشان، به اسناد صدوق اضافه و یا تغییر داده شده که هویت و شخصیت راوی را به کلی تغییر داده است.

شیخ حر عاملی در برخی از احادیث منقول از صدوق از حسن بن علی، عنوان «الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» را به نام حسن بن علی افزوده است؛ همانند: فِي عِيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ... (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۳۹۰) که موارد آن متعدد است. (نک: همان، ج ۲، ص ۴۳۶ و ۴۴۸؛ ج ۱۵، ص ۲۲۶؛ ج ۲۱، ص ۳۶۵)

یا مثلاً علامه مجلسی که در موارد متعددی نام حسن بن علی را به «أبي محمد الْعَسْكَرِيُّ» تغییر داده است؛ همانند: [عیون أخبار الرضا علیه السلام]، الْمُفَسِّرُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدِ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ... (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۵۲ و ۱۵۵؛ ج ۸، ص ۲۸۶؛ ج ۶۵، ص ۱۸؛ ج ۶۸، ص ۲۶۳)

۲-۸. مراحل احتمالی تغییرات

نام حسن بن علی در تفسیر عسکری و نیز روایات منقول از آن، طی دوران و در مراحل مختلف نوشتاری و نسخه‌برداری، تغییراتی را به خود دیده است؛ به طوری که

کم کم از یک شخصیت مذهبی تاریخی زیدی مذهب، به یک شخصیت مذهبی امامی بدل شده است؛ برخی از مراحل تغییرات این گونه می توانند باشند:

۱. «حسن بن علی ناصری» عن «ابیّه»
۲. «حسن بن علی» عن «ابیّه»
۳. «ابی محمد حسن بن علی علیه السلام» عن «ابیّه»
۴. «ابی محمد حسن بن علی عسکری» عن «ابیّه»
۵. «حسن بن علی عسکری علیه السلام» عن «ابیّه»
۶. «حسن بن علی عسکری علیه السلام» عن «ابیّه عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ»
۷. «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ» عن «آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»
۸. «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضَا عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ» عن «آبَائِهِ»
۹. «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»
۱۰. «أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ» عَنْ «آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

۳-۸. حسن بن علی در اسناد تفسیر، ناصر اطروش است

این ادعا را حداقل در دو حوزه می توان تبیین نمود:

۱-۳-۸. با توجه به اسناد روایات صدوق

با تأمل در مطالبی که در اسناد صدوق گذشت، روشن است که نام «حسن بن علی» موجود در اسناد روایات صدوق و افراد دیگر، منظور امام یازدهم شیعه، یعنی امام حسن عسکری علیه السلام نیست، بلکه همان «حسن بن علی ناصری» یا «ناصر کبیر اطروش» است که در منابع زیدی، او را «صاحب دعوت، الامام الاعظم، الامام ناطق، الامام الحق» و با تعبیر مخصوص «الناصر للحق علیه السلام» نام می برند. (علیزاده، ۱۳۹۶ش؛ رحمتی، ۱۳۹۲ش، سراسر متن) و گاهی او را در زیدیه، به مناسبت لقب پدرش، با عنوان «العسکری» یاد کرده اند. (ابن عنبه، ۱۴۱۷ق، ش ۲۸۵)؛ و به سبب شباهت نام او با نام امام حسن عسکری علیه السلام اشتباه گرفته شده است.

۲-۳-۸. با توجه به اسناد نسخ خطی تفسیر

این احتمال با سند نسخ خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نیز به نوعی هماهنگ است: «...کان أبوانا إمامیین و كانت الزیدیه هم الغالبین بأستراآباد و كانا فی إمارة الحسن بن زید العلوی الملقب بالداعی إلى الحق إمام الزیدیه و كان كثير الاصغاء إلیهم یقتل الناس بسعیاتهم فخشیناهم علی أنفسنا فخرجنا بأهلینا إلى حضرة الامام الحسن بن علی بن علی بن محمد...» و همچنین با وضعیت یکی از فرزندان حسن بن علی ناصر کبیر، یعنی «ابوالحسین احمد بن حسن» نیز، که زیدی نبوده و از شیعیان امامیه بوده است همخوانی دارد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶ش، ص ۲۷۳؛ آملی، ۱۳۴۸ش، ص ۱۰۸)؛ که افرادی از هم‌مذهبان یا دوستان وی، برای تحصیل دانش به محضر ناصر اطروش بیایند.

همچنین انتساب این تفسیر به ناصر اطروش، با سند سوم تفسیر که در اواسط کتاب آمده و پیش‌تر توضیحاتی از آن نیز بیان شد، بسیار هماهنگ است.

۴-۸. درباره حسن بن علی ناصری عسکری

ناصر کبیر (م ۳۰۴ق) سومین حاکم علوی طبرستان، با نام اصلی حسن بن علی و ملقب به ناصر اطروش است. وی زیدی‌مذهب بوده است (نک: علم الهدی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۸) هرچند برخی به اشتباه، یا با توجه به علایق امامی اطروش، وی را امامی دانسته‌اند. (نک: موسوی تینانی، ۱۳۹۴ش، سراسر متن) تألیفات و آثار زیادی به او نسبت داده‌اند (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ص ۲۴۰)؛ از جمله این آثار، تفسیر کبیر یا تفسیر الاطروش است. (نک: تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۱) وی کتاب‌های متعددی در تفسیر و علوم قرآن داشته است. (استادی، ۱۳۹۹ش: سراسر متن).

۹. نتیجه‌گیری

۱. با جست‌وجو و بررسی منابع حدیثی امامیه، نسخه‌های خطی تفسیر، و کتاب‌های مرتبط با تفسیر عسکری، چند دسته اسناد قابل طرح شدند: اسناد تفسیر در روایات صدوق و در روایات انفرادی دیگر. اسناد در نسخه‌های خطی تفسیر. اسناد تفسیر در کتاب الاحتجاج، اسناد احتمالی و تعویضی دیگر.

۲. پس از بررسی اسناد تفسیر در آثار شیخ صدوق مشخص شد: دو طریق در آثار شیخ صدوق از تفسیر عسکری یافت می‌شود که منتهی به حسن علی هستند؛ و البته

تفاوت های بسیار شاخصی در توصیفات پیش و پس این نام دارند که گویای دو شخص اند: یکی امام زیدیه (یعنی ناصر اطروش) و دیگری امامان امامیه (یعنی امامین عسکرین). با توجه به اسناد تفسیر عسکری در احتجاج، مشخص است که تمامی اسناد صدوق از «الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ»، منظور «الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيُّ عَنْ أَبِيهِ» هستند که در نسخه برداری های بعدی آثار صدوق، مورد تحریف و تصحیف واقع شده اند.

۳. شیخ صدوق کتاب تفسیر عسکری را به صورت مستقیم در اختیار نداشته است؛ حتی تمامی روایات و احادیث کتاب را در طرق افراد دیگری ندیده و نشنیده است؛ به این معنی که شیخ صدوق فقط به تعداد اندکی از روایات تفسیر عسکری، به واسطه مفسر استرآبادی و دیگران دسترسی پیدا کرده که تنها همان روایت ها را در آثار خود منعکس نموده است.

۴. نسخه های خطی تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام سه دسته اند؛ برخی دارای یک نوع سند ابتدایی و داخلی مشابه، و برخی دارای سند نوع دیگر، و برخی دارای هر دو نوع این سندها ابتدایی کتاب اند؛ که در بخشی از طریق، افراد راویان با هم مشترک اند.

۵. مهم ترین اختلاف اسناد تفسیر بر روی نسخ خطی، اختلاف در نگارش کنیه ها برای عسکری است. این اختلافات جزئی در این مسئله از این رو که به بازشناسی هویت عسکری کمک می کند، بسیار مهم است. در این اسناد، در هنگام ذکر نام امام عسکری، دو نوع کنیه ذکر شده است. از سوی دیگر، هم امام حسن عسکری، یعنی ناصر اطروش، و هم امام حسن عسکری علیه السلام، یعنی امام یازدهم ما شیعیان، هر دو کنیه «ابی محمد» داشته اند. در نسخ ابتدایی و اولیه تفسیر، تنها کنیه «ابی محمد» که کنیه ناصر اطروش است، وجود داشته است. در مرحله بعد، که کتاب تفسیر انتسابش به امام یازدهم شیعیان شکل گرفته، کنیه «ابی قائم» نیز، به اسناد اضافه شده است.

۶. جدای از اسناد روایات شیخ صدوق در آثارش، تنها اثری که بخش قابل توجهی از روایات تفسیر عسکری را در خود دارد، کتاب احتجاج است. سند احتجاج، با کمی تفاوت در اختلاف «ابویهما» به عنوان راوی اضافه در سند یا توضیح اضافه، شبیه اسناد

روایات شیخ صدوق است. طبق این اسناد، حتی اگر حسن بن علی، ناصر اطروش نباشد، راوی اصلی اسناد، امام هادی (ع) است. همان‌طور که ابن غضائری نیز در رجال خود اشاره کرده است.

۷. جدای از اسنادی که بیان شد، «اسناد احتمالی، تعویضی و ترکیبی» نیز برای تفسیر عسکری قابل بیان است که با اطلاع ما از تفسیر عسکری، به‌نقل از ابن غضائری و نیز، اطلاع ما از تفسیر عسکری، به‌نقل از ابن شهر آشوب، می‌توان احتمال‌ها و فرض‌هایی را برای دیگر اسناد تفسیر عنوان کرد.

۸. از جمع‌بندی مطالب درباره اسناد تفسیر عسکری، دو مطلب روشن می‌شود: الف. عنوان «حسن بن علی»، تصحیف و تحریف یافته است؛ یعنی نام حسن بن علی در تفسیر عسکری و نیز روایات منقول از آن، طی دوران و در مراحل مختلف نوشتاری و نسخه‌برداری، تغییراتی را به خود دیده است؛ به‌طوری که کم‌کم از یک شخصیت مذهبی تاریخی زیدی مذهب، به یک شخصیت مذهبی امامی بدل شده است. ب. حسن بن علی در اسناد تفسیر، «ناصر کبیر اطروش» یعنی، همان «حسن بن علی ناصری» است؛ که گاهی او را به مناسبت لقب پدرش، با عنوان «العسکری» یاد کرده‌اند؛ و به‌خاطر شباهت نام او با نام امام حسن عسکری (ع)، انتساب تفسیر، اشتباه گرفته شده؛ که این انتساب، با سند سوم کتاب تفسیر نیز، بسیار هماهنگ است.

منابع

۱. آملی، اولیاءاله، تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ش.
۲. ابن ابی‌جمهور، محمد، عوالی الثالی، قم: سید الشهداء (ع)، ۱۴۰۳ق.
۳. ابن اسفندیار، محمد، تاریخ طبرستان، به‌کوشش آشتیانی، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۶ش.
۴. ابن رازی، جعفر بن احمد قمی، جامع الاحادیث، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۹ق.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف: المطبعة الحیدریة، بی‌تا.
۶. _____، مثالب النواصب، بغداد: المخطوطات العربیه، ۱۴۳۶ق.
۷. _____، متشابه القرآن و مختلفه، قم: دارالبیدار للنشر، ۱۳۶۹ق.
۸. _____، مناقب آل ابی‌طالب، قم: علامه. نیز: همان (۱۳۷۶ق)، نجف: الحیدریة، ۱۳۷۹ق.
۹. ابن عنبه، جمال‌الدین احمد بن علی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی‌طالب، قم: مؤسسه انصاریان،

۱۴۱۷ق.

۱۰. ابن غضائری، احمد بن الحسین، رجال ابن الغضائری، بکوشش جلالی، قم: دارالحدیث،

۱۴۲۲ق.

۱۱. ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تعلیق ابراهیم رضانی، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۷ق.

۱۲. استادی، کاظم، «بختی درباره تفسیر امام حسن العسکری (علیه السلام)»، نور علم، شماره ۱۳، ۱۳۶۴ش،

ص ۱۱۸-۱۳۶.

۱۳. استادی، کاظم، «معرفی آثار قرآنی ناصر للحق اطروش با تأکید بر تفسیر او»، مطالعات ایرانی -

اسلامی، ۱۰، د، ۱، ۱۳۹۹ش، ص ۸۰-۱۱۲

۱۴. استادی، کاظم، «معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام حسن

عسکری (علیه السلام) هفت آسمان، ش ۸۳، ۱۴۰۱ش [الف]، ص ۳۱-۵۹.

۱۵. استادی، کاظم، «بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به عسکری»، علوم قرآن حدیث، ش ۱۰۹،

۱۴۰۱ش [ب]، ص ۲۴۰-۲۶۰.

۱۶. استادی، کاظم، «در جستجوی ابو جعفر الحسینی المرعشی»، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی،

۱۴۰۱ش [پ].

۱۷. استادی، کاظم، «تجزیه و تحلیل محتوای داستان های روایان تفسیر منسوب به امام حسن

عسکری (علیه السلام)»، مطالعات ایرانی - اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۲، ۱۴۰۱ش [ت]، ص ۱۸۰-۲۱۰.

۱۸. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه الوجدانی، بی تا.

۱۹. پاکچی، احمد، دانشنامه بزرگ اسلامی (حسن عسکری ع)، ج ۲۰، تهران: دائرة المعارف اسلامی،

۱۳۹۱ش.

۲۰. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

۲۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، قم: آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۱۶ق.

۲۲. حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، قم: الفقاهة، ۱۴۱۷ق.

۲۳. میرداماد، محمد باقر، شارع النجاة، تهران: جمال الدین میرداماد، ۱۳۹۷.

۲۴. درایتی مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۹۱ش.

۲۵. رحمتی، محمد کاظم، زبده در ایران، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲ش.

۲۶. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، المحقق ابراهیم، بیروت: دار احیاء، ۱۳۷۶ق.

۲۷. شعرانی، ابوالحسن، پژوهش های قرآنی علامه شعرانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.

۲۸. شوشتری، محمد تقی، الاخبار الدخیلة، تهران: الصدوق، ۱۴۰۱ق.

۲۹. صالح، صبحی ابراهیم، مباحث فی علوم القرآن، قم: الرضی، ۱۳۷۲ق.

۳۰. صدوق، محمد بن علی بابویه، التوحید، چاپ حسینی، قم: بی نا، ۱۳۵۷ش.

۳۱. _____، صفات الشیعه، تهران: اعلمی، ۱۳۶۲ش.
۳۲. _____، الأملی، تهران: کتابچی. نیز: همان، بی تا، تهران: البعثة، ۱۳۷۶ش.
۳۳. _____، معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۹ق.
۳۴. _____، خصال، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۹ق.
۳۵. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نجف: الحیدریه، ۱۳۹۰ق. نیز: همان، تصحیح لاجوردی، تهران: جهان، بی تا.
۳۶. _____، من لا یحضره الفقیه، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق. نیز: همان، تهران، بی تا، بی تا.
۳۷. _____، علل الشرایع، قم: مکتبه الداوری، بی تا.
۳۸. طبرسی، (منسوب به) أحمد بن علی، الاحتجاج، تعلیق الخراسان، نجف: النعمان، ۱۳۸۶ق.
۳۹. طبری، (منسوب به) محمد بن جریر، دلائل الامامة، تهران: بعثت، ۱۴۱۵ق.
۴۰. عسکری، حسن، التفسیر الامام العسکری، تحقیق ابطحی، قم: بی تا، ۱۴۰۹ق.
۴۱. علم الهدی، علی بن حسین، مسائل الناصریات، تحقیق مرکز البحوث، تهران: رابطه الثقافة والعلاقات الاسلامیة، ۱۴۱۷ق.
۴۲. علیزاده، رجبعلی، «میراث سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ناصر اطروش در دیلمان، گیلان و طبرستان»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال پنجاهم، شماره ۲، ۱۳۹۶ش، ص ۲۰۹-۲۳۱.
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۴۴. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۴۵. لطفی، مهدی، «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام»، مطالعات قرآن و حدیث، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۹-۱۴۴.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: الرسالة و دارالاحیاء، ۱۴۰۳ق.
۴۷. موسوی تینانی، سیداکبر، «بررسی انتقادی دیدگاه ها درباره مذهب ناصر کبیر و خاندان او»، تاریخ اسلام، س ۱۶، ش ۲، ۱۳۹۴ش، ص ۵۵-۸۶.
۴۸. موسوی نژاد، سیدعلی، مجموعه مقالات همایش ناصر کبیر، تهران: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۲ش.
۴۹. ناظمی، ربابه و معارف، مجید، «تبارشناسی روایات تفسیر العسکری و تأثیر آن بر اعتبارسنجی تفسیر»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، دوره ۱۲، ش ۲۳، ۱۳۹۷ش، ص ۳۹-۷۳.
۵۰. نفیسی، شادی، «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در بررسی علامه شوشتری»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال اول، ش ۶، ۱۳۸۵ش، ص ۹۱-۱۱۴.

۱۰۰ □ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۵۲. هاشمی، فاطمه، بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۵ش.

